

آينه



فصل تازه تکثیر احزاب اصلاح طلب

یکی از شرایط قانون جدید احزاب این است که احزاب ملی باید مجمع عمومی خودشان را با حضور حداقل ۳۰۰ نفر از اعضای رسمی در بیش از نیمی از استان‌های کشور برگزار کنند و اسناد تأسیس دفتر رسمی خودشان در حداقل یک‌سوم از مراکز استان‌های کشور را به وزارت کشور ارائه کنند... نام حزب همبستگی که دست‌کم روی کاغذ ۲۰ سال از تأسیس‌اش می‌گذرد به صورت موسمی و اغلب در ایام انتخابات شنیده می‌شود و معلوم نیست دقیقاً در کجای سپهر سیاسی اصلاح‌طلبان و ایران ایستاده است. همبستگی شاید نمونه خوبی از احزابی باشد که با قانون جدید دچار مشکل خواهند شد... این حزب هم مانند احزاب خواهرخوانده خود همچون حزب وحدت ملی یا حزب مردم‌سالاری با مجمع نیروهای خط امام و... معلوم نیست چه کارویژه و شعار مشخصی دارد؛ وجه ممیز این حزب از دیگر احزاب شناخته‌شده اصلاح‌طلب چیست یا با نبودشان دقیقاً جای چه روی‌کرد و نگاهی در فضای سیاسی ایران خالی خواهد ماند. احزاب قرار بود افراد با تفکر مشخص و قابل تمیز از گروه‌های مشابه خودشان را با هدف دستیابی به قدرت از دیگران جدا کنند و در قالب حزب دور هم جمع کنند.

تجربه

ایستادگی بر اصول

● **علی‌رضا علوی‌تبار**؛ اگر بخواهیم پروژه اصلاحات را به نحو مسالمت‌آمیز پیش ببریم، هم به جنبش اجتماعی نیاز داریم و هم نیاز به بهبودخواهی حکومتی داریم. تجربه نشان داده که وقتی این دو همراه می‌شوند، تحولات اساسی رخ می‌دهد. استفاده از فرصت انتخابات برای اینکه وارد ساختار قدرت شوید، ضروری است و جزء مثنی اصلاح‌طلبانه است. درعین‌حال اصلاحات باید اصول مشخص و خط قرمزهایی داشته باشد. چرایی که می‌خواهد به طور اساسی در عرصه سیاست بماند، بدون خط قرمز محال است که بتواند. برخی مواقع سازش‌کردن و گفت‌وگوکردن و کنارآمدن خوب است اما نقطه‌ای باید وجود داشته باشد که ما «نه» بگوییم و از خطی پایین‌تر نرویم. اگر اصلاحات چنین اصول و پرنسپیی نداشته باشند، طرف مقابل هم دیگر نیاز نمی‌بیند با او گفت‌وگو و سازش کند. بهترین راه واردشدن به گفت‌وگو با این جنبش‌های اعتراضی است. البته یک مشکل بر سر راه وجود دارد. اصلاح‌طلبان وقتی وارد گفت‌وگو با این جنبش‌ها می‌شوند، از نظر دستگاه‌های حکومتی تحرک‌کننده آنها تلقی می‌شوند. بلافاصله سعی می‌شود که با آنها برخورد شود.

کیم

کارنامه دولت خالی است/کناره‌گیری کن تا رأی بیاوری!

● مدتی است که تعدادی از صاحب‌نظران اصلاحات در تلاش‌اند هر طور شده خط‌کشی با دولت را پررنگ و سهم خود را در بروز مشکلات امروز کشور گهرنگ کنند. چراکه ایجاد این تصور در جامعه را به نوعی برگ برنده خود در انتخابات آینده می‌دانند. این است ذات نهفته جریان‌هایی که آگاهی مردم را تنها برای رأی‌آوردن خود می‌خواهند. اکنون اصلاح‌طلبانی که خود را عامل روی‌کارآمدن دولت می‌دانستند و سهمیه‌های قابل‌توجهی در دولت تصاحب کردند، در دو حوزه تلاش می‌کنند؛ یکی اینکه با طرح موضوعات کشایش‌ای، کانون توجهات را از مسائل اصلی به فرعیات منحرف کنند و دیگر آنکه کم‌کم نقش و مسئولیت خود را در دولت روحانی انکار کنند.

رژیم

فقط اجازه سفر به قم و تهران را دارم

● **مولانا عبدالحمید**؛ من هم از این‌خبر [نابودی دانش] خوشحالم و معتقدم که افراط‌گرایی نباید در جهان اسلام باشد. منتها باید با آسیب‌شناسی برای آینده بیندیشیم و به فکر آینده باشیم‌که بار دیگر افراط‌گرایی از جای دیگر سر بلند نکند. افراط‌گرایی در هر دو گروه شیعه و سنی وجود دارد. ولی این نکته که شما اشاره کردید هم صحیح است که این معضل در میان اهل سنت بیشتر دیده می‌شود. با این وجود، درحال حاضر داخل کشور نیز افراط‌گرایی و تندروی وجود دارد و این مسئله تدریوی نتیجه برخی مشکلات است و عده‌ای از افراد عصبی و خشن هم در این میان هستند که یک‌سری برداشت‌ها از ظاهر قرآن عظیم‌الشان می‌کنند... علت حمایت من از آقای روحانی این بود که وی بهتر می‌توانست به مشکلات ایران اسلامی رسیدگی کند، نگاه و اولویت ما ملی بود و پس از آن رسیدگی به مسائل اقوام و مذاهب را مدنظر داشتیم... بله، در تهران و سیستان‌وبلوچستان و قم مشکلی ندارم اما برای استان‌های دیگر محدودیت‌هایی وجود دارد. مثلاً مدتی قبل می‌خواستیم به خراسان بروم و در تشییع جنازه‌ای شرکت کنم، برخی اشخاص با من تماس گرفتند و از من خواستند که در این مراسم شرکت نکنم و این مشکلات در سایر استان‌ها وجود دارد. من امیدوارم با تدبیر مسئولان دلبسوز مشکلات این جنبی‌نی رفع شود و من به‌عنوان یک ایرانی فارغ از شیعه و یا سنی بودن مشکلی برای تردد نداشته باشم و برای من شیعه و سنی تفاوتی ندارد.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

بررسی تحولات منطقه و گف‌وگو با «حسین امیرعبداللهیان»:

خطر تجزیه همه کشورهای منطقه را تهدید می‌کند

عربستان در برهم‌زدن توازن منطقه موفق بوده



عکاس

شوق

زینب اسماعیلی؛ منطقه خاورمیانه همیشه بار پیچیدگی مسائل را بر دوش می‌کشد، پیچیدگی‌هایی که بخشی از آن در داخل منطقه طراحی می‌شود، اما بخش بیشتر آن از بیرون منطقه تحمیل می‌شود؛ البته این سال‌ها همه این مسائل افزون شده است. بحران‌های ناتمام بر پشت هم انبار شده و منطقه خاورمیانه با نلی از مسائل لاینحل از بحران سوریه تا مسئله یمن و تروریسم و دخالت خارجی و... برگ دیگری از تاریخ خود را می‌گذراند. عربستان سعودی در این بین، بازیگری است که با پوست‌اندازی لایه‌های حاکمیتی و رادیکالیسم بی سابقه، نقشی پیچیده‌تر از قبل ایفا می‌کند؛ اما این بازیگر قابل حذف از صحنه بازی نیست. با همه لایه‌ها و تأثیر و تأثرهایش در صحنه بازی حضور دارد و جمهوری اسلامی ایران ناگزیر از مشارکت با این بازیگر است. تا حسین امیرعبداللهیان، معاون عربی سابق وزیر امور خارجه و دستیار ویژه امرو بین‌الملل رئیس مجلس، به تحلیل نقش عربستان پرداختیم. عربستان در دوره‌ای که امیرعبداللهیمان معاون وزیر خارجه بود، به‌دنبال حمله عده‌ای به سفارت این کشور بعد از انتشار خبر اعدام شیخ نمر، روحانی شیعه، رابطه‌اش با ایران را قطع کرد.

است عربستان چه کاری انجام دهد؟ عربستان سعودی مجری پروژه‌ای است که در منطقه شروع شده و خروجی این پروژه قرار بود یک‌سری ترتیبات سیاسی-امنیتی جدیدی در منطقه ایجاد کند. این پروژه الان به مرحله چیدمان آن ترتیبات رسیده است.

به‌نظر من عربستان در ایفای نقش سازنده‌ای که بتواند سیاست‌ها و اهداف خودش را نهاده‌اند کند، در منطقه ناموفق بوده حتی عربستان نتوانسته از متحدان خودش در سیاست‌های منطقه‌ای‌اش استفاده کند. اگر می‌توانست همان‌طور که امیدوار بودند در سه هفته، جنگ یمن به پیروزی عربستان ختم شود نزدیک به سومین سال جنگ در یمن را نمی‌دیدیم. پس آقای هادی، نخست‌وزیر و تیم عربستان در یمن، نتوانستند دستاوردهای ریاض را در یمن نهاده‌اند.

در لبنان هم اتفاقاتی که برای آقای سعد حریری افتاد خیلی واضح است. در برخی محافل دیپلماتیک سعودی‌ها به‌صراحت اعلام کردند آقای سعد حریری اهدافی را که ما در لبنان داشته‌ایم نتوانسته است محقق کند. ما به سعد حریری گفتیم که باید با حزب‌الله این برخورد را کند، ولی توان این برخورد را نداشت و ما خودمان ورود کردیم و گفتیم حریری باید استعفا بدهد. یعنی سعودی‌ها حتی درباره به‌کارگیری ابزارهای خودشان برای نهادهی‌سازی منافع و اهدافشان در منطقه با مشکلات جدی مواجه شدند. اما از طرف دیگر باید گفت سعودی در بازی غیرسازنده و در برهم‌زدن توازن

منطقه و برهم‌زدن اوضاع درون کشورهای منطقه انصافاً موفق بوده است. شما ببینید در ارتباط با ایران چه بحرانی ایجاد کرده است. جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای به نقطه‌ای رسید که قرار بود برجام امضا و عملیاتی شود ولی سعودی‌ها دقیقاً در آن نقطه شروع کردند به ایجاد بحران منطقه‌ای؛ اعدام شیخ‌نمر-بعد از ارزیابی واکنش‌هایی که این موضوع می‌توانست داشته باشد- با همه خطاهایی که صورت گرفت از سوی جماعتی که به سفارت عربستان حمله کردند. تعرض به سفارت عربستان می‌توانست در سطح پایین‌تری از واکنش روبه‌رو شود، ولی عربستان یک واکنش تند نشان داد، رابطه‌اش را با ایران قطع کرد و با چمدان دلار سراغ کشورهای مختلف رفت که شما هم ارتباط خود را با ایران قطع کنید و تنش آفرینی در مقابل ایرانی که بعد از مذاکرات هسته‌ای به نقطه‌ای رسیده که حالا می‌خواهد از مواهب مذاکرات هسته‌ای خودش استفاده کند. بنابراین عربستان در این سال‌ها نشان‌دهه که در به‌هم‌ریختن خیلی توان دارد اما این توان در سازوکار نظم‌دادن به ترتیبات موردنبار منطقه برای کمک به ثبات و امنیت منطقه استفاده نشده است.

● بالاخره این بازیگرانی که شما برشمردید درمورد ایران هم دنبال هدفی هستند. آیا می‌خواهند دوباره ایران را به‌عنوان یک مسئله مطرح و ایران‌هراسی را باب کنند. یا هدف اصلی آنها حزب‌الله یا بازتولید چیزی مثل دانش است؟

من عربستان را بازیگر اصلی این صحنه نمی‌دانم یعنی عربستان طراح این بازی و این صحنه‌سازی نیست، بلکه مجری است. یعنی تلاش کردند که اهداف مشترکی برای او تعریف‌کنند که برای ورود به این عرصه انگیزه پیدا کند. اما اینکه چه چیزی باعث شد که عربستان این‌قدر شتابان در حوزه سیاست خارجی عمل کند؟ به نظر من در سطح داخل عربستان سعودی و در سطح حاکمیتی عربستان سعودی این شتاب‌زدگی

محمد بن‌سلمان، ولیعهد فعلی عربستان سعودی، است. محمد بن‌سلمان می‌خواهد قیل از اینکه شرایطی برای پدرش پیش بیاید که نتواند کشور را اداره کند خودش را در داخل تثبیت کند و بتواند به اسم مبارزه با فساد قلع‌ووقع کند و بتواند با توجیه برنامه ۲۰۳۰ و سایر ایده‌هایی که مطرح می‌کند، نشان دهد یک رهبر جدید و خوش‌فکر است که می‌تواند عربستان جدیدی ایجاد کند؛ عربستانی که در آن خانم‌ها می‌توانند رانندگی کنند، عربستانی که در آن برنامه‌های اقتصادی جزء یکی از اولویت‌هاست. اما برای اینکه آقای محمد بن‌سلمان به این مرحله برسد اولین آزمایش و آزمون او جنگ یمن است. جنگ یمن باید به نتیجه خوبی می‌رسید نباید آن‌قدر طولانی و فرسایشی می‌شد. فرسایشی شدن جنگ یمن برای او مشکل ایجاد کرد و تأخیری جدی در کار ایجاد کرد اما این باعث نشد که محمد بن‌سلمان و گروهش ناامید شوند. آنها با سناریوهای مختلف با نگاه به داخل و نگاه به اینکه محمد بن‌سلمان پادشاه آینده عربستان سعودی شود، در این سطح این کار را انجام می‌دهن. من فکر می‌کنم محمد بن‌سلمان تصور می‌کند با توجه به کهولت سن پدرش وقت زیادی برای تثبیت قدرت خودش ندارد و باید سریع‌تر پرونده مسائل داخلی را به نتیجه برساند، حتی اگر به نتیجه هم نرسید به بازیگران اصلی بیرونی نشان دهد که او قدرت کنشگری و بازیگری دارد، همچنین توان تولید بحران در منطقه و به‌هم‌ریختن اوضاع



اگر محمد بن سلمان بتواند در عربستان پادشاه شود، متفاوت از اکنون خواهد بود. یا ممکن است بعد از فوت پدر یک کودتای جدید در خاندان آل سعود صورت بگیرد مثل کودتاهای قبلی که خود آقای ملک سلمان انجام داد و قبل از آن هم ملک عبدالله انجام داد.

اگر این اتفاق رخ دهد و هر جریان دیگری روی کار بیاید، با واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت؛ ما با عربستانی جدید مواجه هستیم

را دارد تا جلب‌توجه کند. ضمن اینکه از نظر من بخش‌هایی از این به‌هم‌ریختن‌ها کاملاً هماهنگ و حساب‌شده و با طراحی پیش می‌رود. بازیگران بیرونی و به‌طور مشخص اسرائیل می‌خواهد از دل این تحولات، منطقه‌ای درست کند که در آن تهدید جدی متوجه خودش نباشد. نقطه اوج هدف‌گذاری اسرائیل و آمریکا، جمهوری اسلامی ایران است. چون بالاخره عقبه تحولات در منطقه، حزب‌الله است. از سوی جماعتی که به سفارت عربستان حمله کردند، تعرض به سفارت عربستان می‌توانست در سطح پایین‌تری از واکنش روبه‌رو شود، ولی عربستان یک واکنش تند نشان داد، رابطه‌اش را با ایران قطع کرد و با چمدان دلار سراغ کشورهای مختلف رفت که شما هم ارتباط خود را با ایران قطع کنید و تنش آفرینی در مقابل ایرانی که بعد از مذاکرات هسته‌ای به نقطه‌ای رسیده که حالا می‌خواهد از مواهب مذاکرات هسته‌ای خودش استفاده کند. بنابراین عربستان در این سال‌ها نشان‌دهه که در به‌هم‌ریختن خیلی توان دارد اما این توان در سازوکار نظم‌دادن به ترتیبات موردنبار منطقه برای کمک به ثبات و امنیت منطقه استفاده نشده است.

● بالاخره این بازیگرانی که شما برشمردید درمورد ایران هم دنبال هدفی هستند. آیا می‌خواهند دوباره ایران را به‌عنوان یک مسئله مطرح و ایران‌هراسی را باب کنند. یا هدف اصلی آنها حزب‌الله یا بازتولید چیزی مثل دانش است؟
عربستان را بازیگر اصلی این صحنه نمی‌دانم یعنی عربستان طراح این بازی و این صحنه‌سازی نیست، بلکه مجری است. یعنی تلاش کردند که اهداف مشترکی برای او تعریف‌کنند که برای ورود به این عرصه انگیزه پیدا کند. اما اینکه چه چیزی باعث شد که عربستان این‌قدر شتابان در حوزه سیاست خارجی عمل کند؟ به نظر من در سطح داخل عربستان سعودی و در سطح حاکمیتی عربستان سعودی این شتاب‌زدگی

اما اشکال عربستان این است که تمامیت‌خواه است و به برد- برد هم قانع نیست. زمانی من با آقای عادل‌الجبیر صحبت می‌کردم، با گستاخی تمام می‌گفت بحرین متعلق به عربستان است و راجع‌به بحرین ما صحبتی با هم نداریم؛ یعنی کاملاً تمامیت‌خواه. منظورم از حرف عادل‌الجبیر فکر حاکمان وقت عربستان است. عربستان در یمن چه کرد؟ وقتی یمنی‌ها به توافق رسیدند آقای هادی نخست‌وزیر وقت را صدا زد و گفت ما این توافق را قبول نداریم و به آقای هادی گفت باید استعفا بدهید. تا اینکه انصارالله و متحدین آن از اینکه در آینده سیاسی یمن نقش داشته باشند، ناامید شوند. واقعاً زمانی‌که یمنی‌ها خودشان توافق کردند چون عربستان احساس کرد که منافعهش صد درصد تأمین نمی‌شود، بازی را با ایجاد خلأ سیاسی در عرصه حاکمیتی یمن- به هم زد. همان نقش غیرسازنده و همان بازی که نزدیک سه سال است عربستان و آمریکا با هم در باتلاقش گیر کرده‌اند.

مایلم تأکید کنم برای مخاطبان که واقعا عربستان بدون پشتیبانی آمریکا، با همه تجهیزات نظامی که دارد قادر به شروع یک جنگ در منطقه نیست، حتی علیه کشور ضعیف مثل یمن. همین الان اگر آمریکا را از معادله پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی حذف کنید سیستم عظیم هوایی و نظامی عربستان بدون پهپادهایی که آمریکایی‌ها مدیریت می‌کند و بدون مدیریت سیستم سوخت‌رسانی آمریکا قادر به انجام عملیات دقیق و حساب‌شده در یمن نیست. در مورد لبنان هم می‌بینیم که همین الگوی شکست‌خورده را استفاده می‌کنند چون بنا بر نظم‌بخشیدن و ایجاد ترتیبات سیاسی و امنیتی پایدار نیست، بنا به برهم‌ریختن است. عربستان می‌گوید چون این بازی به‌نفع من تمام نشده است پس نمی‌گذارم به نفع طرف دیگری تمام‌شود، حتی به‌نفع خود یمنی‌ها.

● عربستان در لبنان دنبال چیست؟

عربستان در مورد لبنان هم همین اقدام را می‌کند. اما بالاخره این رفتار می‌تواند در سپهر سیاسی آینده لبنان تأثیر داشته باشد و به نظر من اولین تأثیرش این است که در لبنان خلأ سیاسی ایجاد می‌کند. سعودی‌ها این را می‌فهمند و کسانی که از سعودی‌ها حمایت می‌کنند هم این مطلب را می‌فهمند که خلأ سیاسی در حال ایجادشدن است. دومین اتفاق این است که در پی ایجاد این خلأ سیاسی می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی در کشور ایجاد شود و اگر ابعاد گسترده‌تری پیدا کند می‌تواند به بی‌ثباتی امنیتی در این کشور منجر شود. بنابراین این بازی که عربستان شروع‌کرده می‌تواند تبعات منفی روی لبنان بگذارد و نیازمند سطح بالایی از هوشیاری است. لبنانی‌ها نشان داده‌اند در قبال تمامیت ارضی کشورشان ذکاوت و هوشمندی بالایی دارند و از این بحران هم می‌توانند عبور کنند. اما آیا همه بحران همین است؟ من فکر می‌کنم که این‌طور نیست و یک بُعد مهم‌تر دارد. الان مسئله سوریه به مرحله‌ای رسیده که با ایجاد مناطق کاهش تنش و با تحرکاتی که ایران، روسیه و ترکیه در آستانه انجام داده‌اند، ما داریم به سمت نوعی تثبیت وضعیت رو به پایان جنگ در داخل سوریه می‌رویم.

در تکرانی‌های جدی که اسرائیلی‌ها از آن صحبت می‌کنند یکی این است که در آینده جایگاه ایرانی که این‌قدر قوی در مبارزه با تروریسم عمل کرده در سوریه کجاست. همچنین حزب‌اللهی که برای حفظ امنیت مرزهای لبنان وارد سوریه شد و نقش مهمی کنار ایران و روسیه و ارتش سوریه در مقابل تروریسم داشت، چطور؟ یک‌سری دیگر این بازی هم این است که این بی‌ثباتی منجر به اعمال فشار به حزب‌الله شود که باید هرچه سریع‌تر سوریه را ترک کند. درحالی‌که خروج حزب‌الله در این مرحله از سوریه که هنوز اوضاع تثبیت نشده است، تهدیدی جدی برای امنیت مرزهای لبنان است. این بحثی است که با امنیت ملی لبنان برمی‌خیزد و لبنانی‌ها حداقل آمریکایی‌ها نظم تصمیم بگیرند. اینکه تا زمانی که دولت سوریه به همکاری نظامی ما نیاز دارد، مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران در آنجا بمانند حتما موضوعی است که بارها مقامات اسرائیلی به‌عنوان یک عامل جدی نگران‌کننده از آن یاد کرده‌اند.

به نظر من یک بازی در منطقه توسط سعودی کلید گرفته و توسط برخی طراحان صهیونیستی در حال تشویق است که می‌خواهند از این بازی تضمین امنیت اسرائیل از طرف مرزهای مربوط به سوریه خارج شود. آن‌هم از طریق اعمال فشار بیشتر به حزب‌الله. بالاخره هیچ‌کدام از این اتفاقات به صورت تصادفی رخ نداده است. پیش‌تر در کنفره قانونی وضع کردند که فشار علیه حزب‌الله سر برابر شود. در راستای قانون کاتسا علیه جمهوری اسلامی ایران هم فشار جدیدی شروع شده. آتش تهیه این تحولات در کنفره ریخته می‌شود و زمینه بازیگری این بازی در اختیار عربستان و رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد. ولی درنهایت کاری که در دو دهه اخیر حداقل آمریکایی‌ها انجام دادند، این بود که از طریق برهم‌ریختن نظم منطقه سعی کردند منافع خودشان را تأمین کنند و این سیاست با بازیگری و تقسیم‌کاری که عربستان و اسرائیل دارند، در منطقه دنبال می‌شود. این به‌هم‌ریختگی تا کجا قرار است پیش برود؟ تا جایی که ترتیبات سیاسی -امنیتی موردنظر آنها در منطقه تأمین شود.

ادامه در صفحه ۷

آينه ديروز

۹سال پیش درچین روزی



- احمدی‌نژاد در دیدار با امیر قطر نسبت به انتقال مشکلات قدرت‌های بزرگ به منطقه هشدار داد
- لاریجانی، رئیس مجلس: آژانس انرژی اتمی در آستانه بحران مشروعیت قرار دارد
- متکی، وزیر خارجه در دیدار مهتایر محمد، نخست‌وزیر سابق مالزی؛ روابط ایران و مالزی در حال نهادهی‌شدن است
- لطف‌الله فروزنده، سخنگوی جمعیت ایتاگرگان؛ طرح بحث ائتلاف با اصلاح‌طلبان خطای استراتژیک است
- فیاض بخش، مدیرعامل شرکت تولید و توسعه انرژی اتمی: ۲۰ نیروگاه هسته‌ای در کشور احداث می‌شود
- سرلشکر صفوی، مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا؛ سیاست آمریکا درباره ایران و فلسطین با حضور اولیاما تغییر نخواهد کرد
- رضا راغی، معاون ارزی بانک مرکزی؛ یک سنت از سپرده‌های ایران در بانک‌های ورشکسته جهان نیست

تجربه

- رحیم صفوی، مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا؛ آمریکایی‌ها باید بفهمند هرگونه امنیت برای منطقه چه خلیج‌فارس و چه سایر مناطق پیرامونی بدون درنظرگرفتن ایران و ملاحظات و مصالح ایران قابل دسترس نیست
- پیشهاد روحانی، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام به احمدی‌نژاد؛ اجرای طرح تحول اقتصادی به بعد از انتخابات موکول شود
- افشار، مشاور فرهنگی وزیر کشور؛ دولت‌های هاشمی و خاتمی به بسج پشت کردند
- شجونی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز؛ گرانی را تحمل می‌کنم، شکست احمدی‌نژاد را نه
- محمدعلی رامین؛ انتقاد به دولت کدوکنده است

ایران

- احمدی‌نژاد در دیدار با امیر قطر؛ وجود نیروهای بیگانه در منطقه خلیج‌فارس نهن‌تها کمکی به بهبود اوضاع نمی‌کند بلکه هر روز بر وخامت اوضاع خواهد افزود
- حسینی، وزیر اقتصاد بیان کرد؛ افزایش قدرت خرید با طرح تحول اقتصادی
- نوازشریف؛ ایران برای پاکستانی‌ها کشوری ویژه و بااهمیت است
- متکی، وزیر خارجه؛ مطالبات جنگ تحمیلی از عراق بیگیری می‌شود
- شجونی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز؛ احمدی‌نژاد همچنان رأی‌آورترین فرد است

آفتاب

- حس روحانی، نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی؛ قطع‌نامه‌ها کاغذهای تأثیرگذار و هزینه‌ساز هستند
- لاریجانی، رئیس مجلس: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آستانه بحران مشروعیت قرار گرفته است
- خیا، مخبر کمیسیون اقتصادی؛ دولت نامه لاریجانی درباره مترو را بی‌پاسخ گذاشته است
- یونس، وزیر اطلاعات؛ دولت خامنی؛ نصیحت‌کردن از شئون رهبری است نه رئیس‌جمهوری
- داوودی، معاون اول احمدی‌نژاد؛ به زودی ایران قدرت برتر جهان می‌شود
- علیخانی، عضو فراکسیون خط امام (ره)؛ هیئت‌رئیس مانع اعلام وصول طرح استیضاح وزیر کشاورزی نشود
- آوایی، رئیس کل دادگستری تهران؛ بسیجی‌بودن تنها به جقیه‌انداختن نیست

جمهوری اسلامی

- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ تضعیف دین توطئه دشمنان است
- روحانی، نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی؛ دستیابی به غنی‌سازی نتیجه تصمیم آقای هاشمی‌رفسنجانی و درایت رهبری بود
- صالحی، فرمانده کل ارتش؛ ناوهای سکین دشمن هدف مناسبی برای پاسخ سریع ارتش خواهند بود
- آقازاده، رئیس سازمان انرژی اتمی پیشنهاد کرد؛ ایجاد کنسرسیوم مشترک ساخت و توسعه نیروگاه‌های اتمی در منطقه
- سعیدی، معاون بین‌الملل سازمان انرژی اتمی؛ ایران به دانش بومی ساخت راکتور هسته‌ای دست پیدا کرده است

اطلاعات

- لاریجانی، رئیس مجلس؛ حل مشکلات اقتصادی و حفظ استقلال اساس کار مجلس هشتم است
- روحانی، نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی؛ عجله در اجرای طرح تحول اقتصادی به مصلحت کشور نیست
- قتسقاوی، سخنگوی وزارت خارجه؛ تعطیلی سفارت انگلیس در دستور کار قرار ندارد
- بلیکس، مدیر کل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ مذاکره با ایران بدون پیش‌شرط باشد